

رواز اسارت و راه نجات انسان در قرن ۲۱



مجله علمی

www.ketab

سرشناسه: پیری، بهروز، ۱۳۵۸ -
عنوان و نام پدیدآور: راز اسارت و راه نجات انسان در قرن ۲۱ / مؤلف بهروز پیری.
مشخصات نشر: خرم آباد: نشر پراکنده، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری: ۲۶۴ ص: ۲۱×۱۴/۵ س.م.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۶۶۱-۰۱-۶
وضعیت فهرست نویسی: فیا
یادداشت: کتابنامه..

موضوع: اندیشه و تفکر - جنبه های مذهبی - اسلام
ر.ص.ع: Thought and thinking -- Religious aspects -- Islam

موضوع: عقاید، گرای (اسلام)

ر.ص.ع: Rationalism -- Islam

رده بندی کنگ: ۱۳۹۵ ۲/۹ پ/۲ BP۲۲۹

رده بندی یوبی: ۲۹۷ ۴۸

شماره کتابشناسی ملی: ۴۴۸۴۰۲



راز اسارت و راه نجات انسان در قرن ۲۱

نویسنده: بهروز پیری

ناشر: نشر پراکنده

صفحه آرا: حسین قاسمیان

طراح جلد: مرتضی شمس

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۶ / ۱۰۰۰ جلد

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۶۶۱-۰۱-۶

قیمت: ۱۲۰۰۰ تومان

مراکز پخش:

مدیریت پخش خرم آباد - میدان ناصر خسرو-خیابان رودکی-

روبه روی دبیرستان دخترانه فرهنگیان، تلفکس: ۰۶۶۳۳۲۴۰۵۲۶-

همراه: ۰۹۱۶۱۵۹۴۸۷۶ / mt.parnyan@gmail.com / ۱. انتشارات

ستارگان آسمان خرم آباد، خیابان امام خمینی، نرسیده به میدان

امام حسین (ع)، طبقه همکف دانشگاه امام حسین (ع)، تلفن:

۰۶۶۳۳۲۴۱۸۸۱۵ / ۲. پاتوق کتاب خرم آباد خیابان شهید مطهری، سه

راه اول، روبروی بانک صادرات، تلفن: ۰۹۱۰۷۷۵۵۱۷۴ / ۳. کتابفروشی

انجمن قلم ایران تهران، میدان جمال الدین اسدآبادی، ۰۲۱-۸۸۰۴۸۹۱۵

۴. نهاد کتابخانه های عمومی استان لرستان

فهرست

۹.....	مقدمه
۱۳.....	پیشگفتار
■ فصل اول: اندیشیدن رمز خرد و ارزش از حیات طیه	
۲۳.....	ماهیت اندیشه و مسأله قدرت
۲۶.....	ادبیات و اندیشه
۳۳.....	اشتراک کودک و فیلسوف در اندیشیدن
۳۴.....	چه نوع اندیشیدنی مد نظر اسلام است
۳۶.....	اندیشیدن در قرآن
۳۸.....	احادیث و فایده چگونه اندیشیدن
۴۰.....	مصادیق اندیشه و تعقل در زمان و خویشتن اندیشی
۴۰.....	قدر رویدادی بزرگ در عرصه اندیشیدن
۴۱.....	مفهوم جهان بینی و رابطه آن با خردورزی
۴۹.....	ایدئولوژی انسان با اندیشه ناب
۵۱.....	عمل حسنه و عمل صالحه
۵۴.....	فهمیدن راز قدر در دشمنی کردن با جهالت است
۵۶.....	نبرد اندیشه و جهل
۵۷.....	هجرت غریبه ای آشنا

- چرا امروز مصیبت دامان اسلام را گرفته است؟ ۵۹
- فعل انسان مانع آگاهی اوست نه جبر ۵۹
- هجرت ثمره اندیشه برای حیات پاک ۶۲
- هجرت و خلق تمدن جدید ۶۴
- هجرت موسی رویدادی بزرگ در خلقت تمدن ۶۶
- هجرت در اندیشه عامل نجات و خلق تمدن است ۶۸
- اندیشه راستعمارگری ۷۰
- انزایشیدن و اصلاح ۷۲

■ فصل دوم: غنا را و بصیرت در اندیشه

- درد جهالت و یغما و تفکر ۷۷
- امام حسین (ع) بنده نام رسالت خود آگاهی اجتماعی ۷۸
- اندیشیدن ناب و شهادت ۸۰
- قرن ۲۱ نهایت جهالت ۸۱
- آزادی ابزار استعمار نو ۸۳
- تنزل اخلاق زیر سایه ی اندیشه هادی ۸۴
- چهار چوبه ذهن ماشینی ۸۵
- اندیشه آزاد در اندیشیدن پاک ۸۶
- اندیشه برای شناخت خویشتن خویش ۸۷
- راه سعادت و اندیشه ورزی پاک ۹۰
- اندیشه ورزی دینی ۹۶
- زینب زینت اندیشه ناب ۹۹
- بداندیشی و سرانجام آن ۱۰۴
- بصیرت دروازه ورود به سرزمین ایمان حقیقی ۱۰۵
- اندیشه اصلاحی حسین (ع) ۱۰۹
- چهار معنا برای دین ۱۱۳
- جامعه شناس غربی و روشنفکر اسلامی ۱۱۴
- اندیشه فردوسی موازی با اندیشه روشنفکران در بصیرت افزایی ۱۱۶
- اسارت انسان در سایه سطحی نگری ۱۱۹

۱۲۰.....	جهاد معامله‌ای به قیمت بهشت
	■ فصل سوم: اسارت و نجات
۱۲۷.....	تاریخ اندیشی برای اصلاح اندیشه
۱۳۱.....	حقیقت گم شده در سایه واقعیت
۱۳۴.....	مکتب چگونه شکل می‌گیرد
۱۳۵.....	نقص لازمه هستی
۱۳۸.....	گذشتگی، تاثیرگذار در آیندگان
۱۴۲.....	اندیش سجا، در اندیشیدن به زمان و مکان
۱۴۳.....	اخلاق، علوم انسانی، بزرگترین قربانیان تفکر قرون وسطی
۱۴۷.....	اندیشه ابزارنگر، به زندگی، به جای اندیشه ابزار عمق‌نگری
۱۵۰.....	فرهنگ و اصلاح، آرزوی من
۱۵۳.....	اندیشه‌های گروه‌های اجتماعی، تکامل یا انحطاط
۱۵۴.....	شناخت انسان اندیشه‌ای برای نجات
۱۵۶.....	نقش مکتب فکری در سرنوشت جامعه
۱۶۱.....	اندیشه توحید اندیشی
۱۶۳.....	روشنفکر خودآگاهی که جامعه را به آگاهی می‌رساند
۱۶۵.....	نقش حیاتی مذهب در سرنوشت‌ها و زیستن‌ها
۱۷۲.....	بداندیشی نافرجامی است
۱۸۰.....	استعمار فرهنگی استعمار اندیشه کردن است
۱۹۱.....	امتیازات اسلام
۱۹۱.....	۱. خردپذیری و خردورزی
۱۹۳.....	۲. اسلام و علم
۱۹۵.....	۳. کتاب معصوم الهی
۱۹۷.....	۴. جامع بودن
۱۹۹.....	۵. خاتمیت
۱۹۹.....	۶. نفی نیت‌انگاری
۲۰۱.....	۷. عدم حاجت به عصری کردن دین
۲۰۲.....	بد اندیشگی خود فقدان اندیشه ناب است

- آزادی معنوی آزادی راستین ۲۰۵
- جمود یک اندیشه ضد اندیشه ناب ۲۰۷
- اندیشه‌ای برای اخلاقی زیستن ۲۱۰
- امربه نیکی‌ها اندیشه به حیات طیبه است ۲۱۵
- هتر قربانی دیگر در استعمار فرهنگی ۲۱۸
- خیانت در امانت ۲۲۳
- بهشت، دروغین استعمار ۲۲۴
- بخشتی دروغین و بی سرانجام ۲۲۵
- اندیشید بدون اخلاق اندیشه بدانندیشگی است ۲۲۶
- اندیشه سادات طیبه حصول در هم تنیدگی علم و مذهب ۲۳۰
- انحراف درد اسارت ۲۳۴
- اندیشه و اسارت ۲۳۷
- انحراف و اسارت اندیشه ۲۳۷
- پیدا کردن راه نجات ۲۳۸
- بازاندیشی برای بازگشت به خویشتن خوش با الهام از تاریخ اندیشی ۲۴۲
- فهرست آیات و احادیث ۲۵۷
- منابع و ماخذ ۲۶۳

مقدمه

بزرگان خوش ذوق ادبیات نمی ایرانیان چون سعدی، حافظ، مولوی و... با الهام از متن قرآن و سیرت انبیاء الهی، زیبایی هر چه تمام تر، هم اندیشه را ستوده اند و هم راه اندیشه ورزی را گشوده اند و در توشییه ها به سخن سنجیده گفتن کرده اند و عمل به اندیشه کردن را چون طبقی ارسل بر سر، سره زندگی بشری گذاشتن، به ما هدیه داده اند.

سخندان پرورده پیر کهن

بیانندیشد آنکه بگوید سخن

و این همان صواب اندیشی "امام خردمندان" علی (ع) است، می فرماید: فَكُزْ
ثُمَّ انْطِقْ

گوهر ناب اندیشه ورزی عصای دست است برای رهایی از چنگ "جهالت" و پنجره ای رو به فضایی است برای تماشای این حقیقت که جان و روان آدمیت (اندیشگی او/ خرد او) تابلوی زیبایی از خلقت می باشد تا با آراستگی به اخلاق، دین و علم، زندگی در دنیای "تضادها" را در کمال آرامش هم به نظاره نشیند و هم آن را به تجربه درآورد و در مسیر تکامل با آگاهی و خرد پای نهد تا خارهای زمانه و زمین شوره زار جهل و جهالت او را نیاز دارد که البته نیازمند خلق محیطی پاک برای تربیتی

است تا آن خارها را تحمل نماید و صورت زشتشان را به سیرت نیکوی "حیات طیبه" بیاراید و به قولی:

در خاک بیلقان برسیدم به عابدی
گفتم مرا به تربیت از جهل پاک کن

از این طریق است که عقل رو به کمال نماید و زندگی لبخند به جمال و جمال همان اندیشه یا اندیشه‌های ناب از برای سعادت انسانی است که از عقل و شهوت رده و این همان برتری او بر فرشتگان به صرف عقل محض اند که در صورت جدال موقر (عقلمند) برین حاکم ایمان بود - کز بیمش نفس در زندان بود (از فرشتگان مقرب بندگان حضرت خالق، مقامش ربوبی ترمی شود و به اعلاء علیین درجه‌اش رفیع‌تر.

بی تردید بگوییم خداوند عالم گهر خرد را بدین خاطر در وجود انسان زمینی به و دیعه گذاشته است تا با کمال آن به "اندیشه‌ورزی" روی آورد و بفهمد که کیست؟ و از برای چیست؟ و به دایره معرفت پای نهد و بر پلکان ترقی و تکامل (با توسل و توکل) به سیمای پاک اندیشیدن به خیر و نیکی خود را نشان دهد و بداند این حقیقت، حقیقت دارد که هدف بالایی زندگی بالاتر از شئون و پدیده‌های صوری "خود زندگی" است و طبیعت بشر آن گونه که مدرنیسم می‌گوید صرفاً ماشینی نیست که از روی مدلی ساخته شده باشد تا ریاضت و ارکاری را که برای او تجویز کرده‌اند انجام دهد بلکه حیات جسمی بشر چیزی فراتر از خودش آن را زیباتر و کامل‌تر می‌نماید: و آن ساحت روح خرد و اندیشیدن به دانش است که او را کمال بدست آورد و عزت و کرامت به جمال کسب نماید تا در این همسایگی خرد و جسم حیات معقول شکل و بساطش پهنایی گردد.

راز حیات پاک در خویشتن اندیشی برای رسیدن به خدا اندیشی است که انسان امروزی در یک فضای کاملاً مکانیکی و ماشینی نیازمند آن می‌باشد.

اندیشه برای این حیات طیبه است تا ما را از خیالات و اوهام نجات دهد و به قول مولانا مبادا در آسمان و بالای بالا مرغ حیات در حال پران باشد آن گاه از روی

خیال و تنگی نظرو اندیشه ناقص چون صیادی پی سایه‌اش می‌دویم بیهوده‌وار.
گویی که می‌اندیشیم خودش هست غافل از آنکه عکس آن را بر روی خاک
دنبال و اصل آن را فراموش نموده ایم.

مرغ بر بالاپران و سایه‌اش
می‌رود بر خاک پران مرغ‌وش
ابلهی صیاد آن سایه شود
می‌داند چندان که بی‌مایه شود
در خیارگان عکس آن مرغ هواست
بی‌خبر که اصل آن سایه کجاست
به امید آنکه اندیشه ته حیدی سرلوحه زندگیمان باشد تا اسیر جهل جاهلان
نشویم و بهای ذی‌قیمت خود را به حیات پرزرق و برق دنیا به کاستی نگرانیم.

والسلام

حمزه فیضی پور/ پائیز ۹۴

بیشگفتا

آفرین جان آفرین را
آنکه جان بخشیده آن خدای را^۱

اگر بخواهیم از نعمت های بی شماری که خداوند سبحان بر ما آدمیان ارزانی داشته نام ببریم، بدون شک در راه این تلاش سرباز زده و معترف به عجز و ناتوانی خود خواهیم بود.

پس: "سپاس خداوندی را که سخنها را از ما سودن او عاجزان و حسابگران از شمارش نعمت های او ناتوان و تلاش گران از ادای حق او سرمانده اند. خدایی که افکار ژرف اندیش، ذات او را درک نمی کنند و غواصان دریای بی پایان او را نخواهند رسید. پروردگاری که برای صفات او وحد و مرزی وجود ندارد و تعریف گاه نمی توان یافت."^۲ اینکه ذات پاک حضرتش چگونه شروع به خلقت بی شمار مخلوقاتش را کرده هرگز در ظرف ذهن کم مقدار و نا چیز ما نخواهد گنجید. بلکه ما تنها می توانیم از طریق مشاهده و تفکر در این مخلوقات پی به قدرت لایزال او برده و ستایش کردن را آن گونه که سزاوار و شایسته ی مقامش است به جای آوریم تا راهی بیابیم جهت اتصال به مقام قرب و رضای او.

۱. عطار، منطق الطیر.

۲. نهج البلاغه، محمد دشتی، ترجمه ی خطبه ی ۱، انتشارات نوید اسلام.

حضرت مولا علی (علیه السلام) باب شهر علم نبی مکرم اسلام در توصیف گوشه‌ای از قدرت پروردگار در آفرینش جهان چنین می‌فرماید:

"خلقت را آغاز کرد و موجودات را بیافرید بدون نیاز به فکر و اندیشه‌ای یا استفاده از تجربه‌ای، بی‌آنکه حرکتی ایجاد کند و یا تصمیمی مضطرب در او راه داشته باشد."

رای دید آمدن موجودات وقت مناسبی قرار داد و موجودات گوناگون را هم‌سگ کرد و در هر کدام گزینه خاص خودش را قرار داد و غریز را همراه آنان گردانید.

خدا پیش از آن که موجودات را بی‌آفریند از تمام جزئیات و جوانب آنها آگاهی داشت و حد و پایان هر امری دانست و به اسرار درون و بیرون پدیده‌ها آشنا بود پس خداوند سبحان طبقات فضا را شکافت و اطراف آن را باز کرد و هوای به آسمان و زمین راه یافته را آفرید و در آن آب روان ساخت. آبی که امواج متلاطم آن شکننده بود. که یکی بردیگری می‌نشست. آب را بادی طوفانی و شکننده نهاد و باد را به بازگرداندن آن فرمان داد و به نگهداری داری آب مسلط ساخت و حد و مرز آن را به خوبی تعیین فرمود.

فضا در زیر تند باد و آب بر بالای آن در حرکت بود. پس خدای سبحان طوفانی برانگیخت که آب را متلاطم ساخت و امواج آب را به دور هم کوبید. طوفان به شدت وزید و از نقطه‌ای دور دوباره آغاز شد. پس به طوفان مرکزی تا امواج دریاها را به هر سو روان کند و برهم کوبد و با همان شدت که در فضا وزیدن داشت در امواج آب‌ها حمله ور گردد. از اول آن برمی‌داشت و به آخرش می‌ریخت و آب‌های ساکن را به امواج سرکش برگرداند. تا آن جا که آب‌ها روی هم قرار گرفتند و چون قله‌های بلند کوه‌ها بالا آمدند. امواج تند کوه‌های برآمده از آب‌ها را در هوای باز و فضای گسترده بالا برد که از آن هفت آسمان را پدید آورد.

آسمان پایین را چون موج مهار شده و آسمان‌های بالا را مانند سقفی استوار و بلند قرار داد. بی‌آنکه نیازمند به ستونی باشد یا میخ‌هایی که آن‌ها را استوار کند. آن‌گاه

فضای آسمان پایین را به وسیله نور ستارگان درخشنده زینت بخشید و در آن چراغ روشنایی بخش (خورشید) و ماهی درخشان به حرکت درآورد که همواره در مدار فلکی گردنده برقرار و سقفی متحرک و صفحه‌ای بی‌قرار به گردش خود ادامه دهد.^۱ اما آنچه برای ما مهم است توجه و تعمق در موضوع خلقت انسان است. در این بین خداوند از میان تمامی مخلوقاتش انسان را شایسته‌ی امانت‌داری و جانشینی خود بر روی زمین می‌داند تا جایی که مقرب‌ترین فرشته‌ی درگاهش تنها به دلیل ربیعی از اجرای فرمان حق در سجده کردن بر آدم را از خود می‌راند و مورد لعن و نفرین ابدیش قرار می‌دهد. حتی کار به جایی می‌رسد که فرشتگان پس از خلقت این مخاریف با اعتراض در باب فساد و خون‌ریزی انسان در روی زمین می‌گشایند و دلیل این خاقت را از خداوند کریم جویا می‌شوند که حضرت حق در پاسخ می‌فرماید: من چیزی از این خلقت می‌دانم که شما از آن آگاه نیستید. بدون شک وجه تمایزی بین انسان با سایر مخلوقات هست که او را به چنین مقام بلندی رسانده است.

آیا فصل ممیز انسان با سایر موجودات که سبب شده بنی آدم خود را از غیر خودش ممتاز بداند، می‌تواند به جز از بزرگ نعمت عقل چیز دیگری باشد؟ عقل این موهبت الهی که خداوند آن را مایه فساد و کرامت آدمی می‌خواند و به راستی چه زیبا خلعتی خداوند سبحان برگ انسان را سوار کار خلقتش انسان انداخت که ارزشمندتر از آن چیز دیگری را نمی‌توان یافت که را نعمت انسان در پیمودن مسیر تکامل در خلقت باشد.

از آنجایی که در صفحات بعدی این نوشتار خواننده به تناوب به واسطه عقل بر می‌خورد لازم است که نگاهی به مفهوم عقل در این مقدمه داشته باشیم. عقل در اصطلاح اندیشمندان هر علمی معنای خاصی دارد که این معنای اصطلاحی برگرفته از ریشه واژه عقل است.

"محدث بزرگ و مشهور جناب کلینی از حدیث پژوهان متبع شیعه مراد از عقل

در اصطلاح روایات مکتب اهل بیت علیه السلام را (قوه تشخیص و ادراک) آدمی می‌داند که او را به نیکی و صلاح فرامی‌خواند و باز دارنده او از شر و فساد است و در این صورت و سیله پرستش خدا و به دست آوردن بهشت است.^۱

"ملاصدرا معتقد است ستون شخصیت و هستی انسان عقل است. عقل سرچشمه هوشیاری، فهم و دانش است و انسان به وسیله نیروی عقل کامل شده و نور عقل عالم می‌شود و در نتیجه دریگانه پرستی و فرمانبرداری اخلاص می‌ورزد. برآینده خویش مسلط می‌شود."^۲

"عقل در فلسفه و علوم انسانی گاه در برابر وحی می‌آید و منظور از آن نیروی ادراک است که به تولید علم می‌پردازد و مجموعه علوم و معارف انسانی را پدید می‌آورد.

برخلاف علوم و بیانیه که از عالم غیب می‌رسد و انسان از آن حیث که می‌اندیشد در آن نقشی ندارد. عقل در این نگاه تمامی علوم و معارف بشری اعم از علوم تجربی که از راه مشاهدات، آزمون‌های علمی حاصل می‌گردد و علوم می‌که نتیجه استدلال و برهان است و علوم فلاحی و نیز علوم نقلی و تاریخی را در بر می‌گیرد. گاه عقل معنای خاص‌تری به خود می‌بخشد و در مقابل علوم تجربی و نقلی واقع می‌شود که در این صورت به علوم فلسفی اختصاص می‌یابد که مفهوم عقل در آن نیروی استدلال‌گرو برهان‌آور است.

دفاع عقلانی از دین در این حوزه به معنای اثبات حقیقت گزاره‌های دینی از راه اندیشه بشری است که جز به برهان صورت نمی‌گیرد. همان برهانی که بر اعتقاد به گزاره‌های دینی اصطلاحی عام است که در کلام برخی از کلامیان می‌آید و حجیت در این معنا اعم از برهان است و بنا به نسخ گزاره مورد نظر به یکی از سه روش تجربی، فلسفی و تاریخی صورت می‌پذیرد.

تعقل در اینجا به معنی سیری است که ذهن برای پاسخ به مجهولات طی

۱. ابن منظور، ۵۱۴۲۶، ج ۲، ص ۲۷۱۱.

۲. نزاقیان ۱۳۹۲، ص ۱۴۳.

می‌کند. یعنی تفکری همراه با استدلال بر پایه قواعدی معین و پذیرفته شده.^۱ اگر بخواهیم که به طور مفصل به حراج سخن در باب عقل و جایگاه آن در قرآن و احادیث و تألیفات دانشمندان و فیلسوفان پردازیم. نیاز است که در سאלه‌ای جدا و به طور مفصل و مستقل به این کار پردازیم. اما همین اندک مختصر در اینجا گنجانده شد تا ذهن خواننده با مفهوم عقل آشنا بوده و مسائل مربوط به تعقل و اندیشه که در این نوشتار موجود است به راحتی تبیین و روشن گردد.

قارم سام ظهور و نمود مفهوم عقل در اندیشه‌ها انعکاس پیدا می‌کند که آیا ما به نحو احسنیت و آنگره که شایسته و بایسته‌ی این موهبت الهی است توانسته‌ایم در راه خیر از ظرفیت و توانایی آن استفاده کنیم؟

اگر ما اندیشه‌های انبیرانه‌ی درون انسان بدانیم که مربوط به مفاهیم است و همچنین آن را عبارت باشیم از پیش معلوماتی که ارتباط دادن بین آنها باشیوه‌ی خاصی به مجهول که مقصود ماست، دست یابیم و بر ما معلوم شود. انسان عاقل و خردمند را باید انسانی بدانیم که به کار بردن درست اندیشه در راه رسیدن به هدف خلقت که همان کمال است تلاش و کوشش می‌کند تا شکرگزار خالقش در بخشیدن این نعمت بزرگ باشد و در سری ده‌گران آن جاهل و نادان انسانی است که با به اسارت در آوردن اندیشه در دام جهالت از نعمت و پیشرفت در مسیر کمال خود را باز دارد و عایدش از خلقت چیزی نباشد جز سرگردانی و نابودی در دنیا و آخرت و یا این که با پناه بردن به دامن ابزارهایی که می‌توانند با ارضای غمات جهل به سرچشمه‌های نور و معرفت آشنا سازند حیات طیبه خود را در هر دو عالم تضمین سازد و آن وقت تبدیل به انسانی شود اندیشمند و حق مدار با ویژگی‌هایی که سبب تمایز او از سایرین می‌شود.

در اینجا او انسانی است مثبت اندیش و زنده اندیش. اوزندگی را با تمامی خوشی‌ها و ناخوشی‌ها می‌پذیرد و از آثار غم و حرمان در اویافت نمی‌شود زیرا در

۱. مرادپور، فریبا، حوزه‌های معنایی عقل در قرآن کریم، ج ۱، ص ۳۶-۳۵.

قاموس ایمانش غم خورد حرام است. او انسانی با عزم و اراده و استوار، اهل کرم و عطا است و همچنین اهل ایثار و از خود گذشتگی و فداکاری انسانی. و نیز اهل درک، اهل عشق و ایثار.

اما با کمال تأسف باید اعتراف کرد که ابزارهای موجود و فلسفه‌های نوظهور و راه کارهایی که قرن ۲۱ بر بشریت عرضه داشته است نتوانسته این آرزو را در ساختن این انسانی محقق سازد و برتن آن جامه‌ی عمل بپوشاند، بلکه برعکس بیشتر آن‌ها را ارائه کرده روز به روز بین انسان و انسانیت و ارزش‌ها فاصله می‌اندازد و شاید در تدریج حادثات روان گفت که آینده روشن را در هاله‌ای از ابهام قرار داده است. در این حادثات که انسان روشن فکری که تعهد به سرنوشت هم نوع را در وجودش احساس می‌کند، نفس کشیدن در چنین فضایی برایش سخت و دشوار می‌شود زیرا او درد هم نوع خودش را حس می‌کند می‌داند و می‌فهمد. آنچه که جانش را به گلو می‌رساند مشاهده‌ی سپر محرم جهالت است در مقابل آگاهی و تغییر.

در چنین زمانی به او احساس فقر دست می‌دهد و دنیا با تمام بزرگی و زیبایی‌ها برایش چون سلولی انفرادی است که هیچ لذت و شادی در آن یافت نمی‌شود. آرامش و آسایش خود را در رها کردن نوعان خود می‌داند. زیرا معتقد است که ارزش‌ها و کمالات در اجتماع و زندگی جمعی دست یافتنی خواهد بود. بنابراین هر رنجی را به جان می‌خورد و هر زجری را متحمل می‌شود تا که اندیشه‌ها را بیدار سازد. حتی اگر آن رنج یا زجر، جان عزیز و حیثیت اجتماعی باشد. اما آنها را می‌پذیرد تا به آرامش دست یابد.

آرمان او آفریدن شوق و حرکت در اراده‌ها است برای فهمیدن و برای خلق کردن. می‌خواهد به اثبات برساند که جهالت با فطرت و جود انسان در تضاد است و راه دست‌یابی به معرفت را هموار سازد برای رهایی، انتخاب و تسلط. تسلط بر سرنوشتی که غایت بودن را در معادله (انا لله وانا الیه راجعون) رقم می‌زند.

در این زمان شعله‌های آتش تعهد و مسئولیت اجتماعی بودنش را به احاطه

در می آورد و ماندنش را مرگ بودن خود می بیند. پس فریاد می زند تا آگاه کند و انتظار دارد که به ندای او گوش فرا دهند تا از بند خلاصی یابند و بدانند خلیفه خدا هستند بر روی زمین. شایسته بوده اند و شایسته بمانند. اصداد را در هم شکنند و تولدی نو همواره حصار اسارت و توقف و سکون فکر را در سرای عقل و اندیشه آنها در هم بشکنند.

و این گونه بود که احساس درد شلاق تعهد و مسئولیت آگاهی اجتماعی بر شانه های نحیف و لاغر قلم متعهد مرا بر آن داشت تا بعد از مطالعه و تحقیق آنچه را که به حرم می تواند راه برون رفتی باشد از مصیبت های فراوان این قرن همچون شیوع فحشا و منکرات بی اریه ای خطرناک روانی و شایع، مصرف روزافزون مواد مخدر صنعتی، مفاسد فراوان و جنایات هولناک و تلخ تر از همه پدیده خطرناک انتحار و خودکشی و خلاصه بی امانی از آن جهنم سوزانی که به راهنمایی عقل و علم و کمک صنعت و ماشین برافروخته شد در قالب مجموعه راز اسارت و راه نجات انسان در قرن ۲۱ را ارائه بدهم و امیدوارم آن چه را که تحت عنوان راه نجات به آن دست یافته ام بتواند راهنما و راه گشا در راه درست زندگی کردن و نیک زیستن باشد.

آمین یا رب العالمین

بهروز پیری

بهار ۹۴